



جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تاکید بر آراء امام خمینی (ره)

علی آدمی*^۱

چکیده:

از مهم ترین موضوعات دهه های اخیر که تحول شگرفی را در حوزه قدرت و اجزا و عناصر آن و نیز کاربست قدرت پدید آورده است بعد جدیدی از قدرت به نام قدرت نرم است. گرچه ادبیات مدرن و مورد استفاده آن توسط اندیشمندان غربی مانند جوزف نای نظریه پردازی شده است اما در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی نهضت امام خمینی جز با استفاده از همین مؤلفه های اجتماعی و فرهنگی که امروز در قالب قدرت نرم می شناسند به پیروزی نرسید. یکی از مهم ترین این مؤلفه ها مفهومی به نام سرمایه اجتماعی است که حضرت امام با تبیین صحیح و کاربست دقیق و نیز شناخت همه جانبه از روحيات و فرهنگ افکار عمومی از آن به عنوان پلی برای پیروزی انقلاب استفاده کرد که در این پژوهش به دنبال تبیین و چگونگی استفاده از آن توسط حضرت امام هستیم.

در این پژوهش با تاکید بر اندیشه های امام خمینی که مفهوم سرمایه اجتماعی از مضامین مورد تاکید در فرمایشات ایشان به خصوص در حوزه سیاسی و اجتماعی است، ابتدا منظومه فکری ایشان در خصوص سرمایه اجتماعی که شامل مؤلفه ها، عناصر و اهمیت آن در شکل گیری یک جامعه اسلامی است توضیح داده خواهد شد و همچنین به نقش تاریخی مردم و استمرار حضور کمی و کیفی آنها در شکل بخش به سرمایه اجتماعی و باز تولید آن در جهت اقتدار فرهنگی و هویتی کشور پرداخته خواهد شد.

این سرمایه با اقدام فردی یا جمعی به تدریج و فرایندی شکل می گیرد و ریشه های آن با ایجاد شبکه های معقولانه، حس اعتماد، تفاهم بین الذهانی و مشارکت جمعی با هدف تقویت انسجام درونی جامعه و در یک فرآیند تاریخی قابل شناخت است که البته در سده اخیر تاریخ ایران گسست ها و انقطاع های مختلفی مانع از هم افزایی و انباشت سرمایه اجتماعی شده اند. این مقاله به این پرسش پاسخ می دهد که جایگاه

^۱ . استادیار عضو هیئت علمی

سرمایه اجتماعی در اندیشه‌های امام چيست و ایشان چگونه با بهره‌گیری از هویت اجتماعی جوانان به ساخت هویتی نظام اسلامی کوشیده‌اند؟

کلید واژه‌ها: هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی و اسلامی. آگاهی و اعتماد

مقدمه

انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به پدیده‌ای به نام جامعه شکل می‌دهند. آن‌ها با یکدیگر یک محیط انسانی با تمامیت ساخت‌های روان شناختی و اجتماعی - فرهنگی آن به وجود می‌آورند. در ست همچنان که ممکن نیست انسان در انزوا رشد کند، همچنین غیر محتمل است که انسان در انزوا محیطی انسانی به وجود آورد. انسان منزوی همچون حیوان است. به محض اینکه کسی شایسته پدیده‌هایی می‌شود که به طور خاصی انسانی هستند او به قلمرو اجتماع وارد می‌گردد. انسانیت خاص انسان و اجتماعی بودن او به طور لاینفکی در هم تنیده شده‌اند. برای حفظ این پدیده به مجموعه‌ای از عوامل نیاز است که باید در تعاملات اجتماعی اعضای جامعه وجود داشته باشد.

این مجموعه عوامل از ابتدای شکل‌گیری دانش‌های اجتماعی، مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه اجتماعی بوده است مشارکت و همکاری، انسجام و همنوایی، اعتماد و عقلانیت و مفاهیمی از این دست را می‌توان در چهارچوب این مجموعه جای داد که از قدیمی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن نیز حکایت دارد. در طول دهه‌های گذشته، توجهات به مفهوم سرمایه اجتماعی معطوف گشته و اهمیت یافته است. بدین لحاظ مدت زمان زیادی از معرفی سرمایه اجتماعی در جهان نمی‌گذرد، اما توانسته به سرعت در تمام محافل دانشگاهی دنیا نفوذ کرده است. زیرا سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی جدید، دامنه کاربرد و پژوهش بالقوه گسترده‌ای دارد و در رشته‌های علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و تاریخ مطرح شده است. به اختصار می‌توان گفت اگر سرمایه فیزیکی آن چیزی است که در ساختمان، زمین یا تجهیزات مولد وجود دارد، سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم، مانند اعتماد، اعتقاد، باورها و ... با این تفاوت که مالکیت سرمایه اجتماعی جمعی است و بهره‌برداری از آن، حتی ممکن است به افزایش آن بینجامد.

از این روی، سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته شده جامعه شناختی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی، و انسجام و همبستگی گروهی و همکاری، ارتباط دارد. بنابراین، در کنار سوالاتی که در قسمت چکیده ذکر شد. این پرسش فرعی نیز مطرح می‌شود که: سرمایه اجتماعی چه بعد جدیدی برای ما می‌گشاید؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که گروه‌ها

۱. اکبر احمدی، سرمایه اجتماعی ایرانیان، فرهنگ‌مندان، شماره چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۳

2. *Social Capital*

و جوامعی که از سرمایه اجتماعی برخوردارند می‌توانند به اهدافی دست یابند که بدون سرمایه اجتماعی میسر نیست.^۱

۱- پیدایش مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مباحث جدید در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی خصوصاً مباحث توسعه است. از اندیشمندانی که در این باره دست به قلم برده‌اند می‌توان از فوکویاما، بوردیو، و پاتنام یاد کرد. اما پیش‌تر از این نیز، اندیشمندان کلاسیک علوم اجتماعی از جمله مارکس، تونیس، وبر، دورکیم و دو توکویل، درباره سرمایه اجتماعی در قالب مفاهیمی مانند طبقه در خود و طبقه برای خود (مارکس)، گمین شافت و گزل شافت (تونیس)، اقتدار و کاریزما (وبر)، گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی (دورکیم)، چسب اجتماعی حاصل از انجمن‌های داوطلبانه (دو توکویل) سخن گفته‌اند. اما آن‌ها هیچکدام از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده نکردند.^۲

اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ میلادی، در مقاله‌ای توسط هانی فان‌آز دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما، نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱) به کار رفته است. او در آن جا توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

گلن لوری اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه‌شناسی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ میلادی برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار بردند. در دهه ۱۹۸۰ میلادی، این اصطلاح توسط جیمز کلین^۳ جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت رابرت پاتنام^۴

۱. کیان تاجبخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۵، ص ۷

۲. جان فیلد، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضوانی، در سایت WWW, anthropology.Com

۳. Hanifan

۴. Jine Jakob

۵. Gallen Lurry

۶. Ivan Light

۷. Coleman

۸. Robert Putnam

دانشمند علوم سیاسی، بحثی قوی و پرشور در مورد سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی در ایتالیا و ایالات متحده برانگیخت.^۱

۶۹

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

علی آدمی

جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)

کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو در رساله‌ها و مقالات دانشگاهی (بوئزه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش) با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما^۲ افزایش یافته است. همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی عملی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است.

۲- مفهوم سرمایه اجتماعی از منظر اندیشمندان

سرمایه اجتماعی به دلیل توانایی در توضیح بسیاری از پدیده‌های جامعه مدرن، توانسته است جایگاه مهمی را در ادبیات علمی جهان کسب نماید. در اکثر رشته‌های علوم اجتماعی به نوعی از این مفهوم استفاده می‌شود و به یک مفهوم بین رشته‌ای تبدیل شده است. سرمایه اجتماعی به یکی از بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش‌های توسعه تبدیل شده است و حجم ادبیات دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به سرعت در حال افزایش است. از این روی، سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد، مدیریت و ... به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. در اقتصاد در دهه ۱۹۶۰ مفهوم سرمایه انسانی توسط شولتز و بکر، به عنوان ابزاری در دست اقتصاددانان جهت اندازه‌گیری ارزش مهارت‌های کارگران مطرح شد که «ارزش اقتصاد را با افراد، بنگاه‌ها و ویژگی‌های وسیع‌تری چون مهارت، دانش و سلامت نشان می‌دهد». شولتز می‌گوید که سرمایه اجتماعی جایگزین مفهوم سرمایه انسانی است که بر جمع تأکید دارد در حالیکه سرمایه انسانی، بر فرد تأکید دارد. عده‌ای نظریه سرمایه اجتماعی را نشانگر استفاده اقتصاددانان از علوم اجتماعی می‌دانند و عده‌ای دیگر (از جمله خود جان فیلد) آن را تلاش جامعه‌شناسان در استفاده از مفاهیم اقتصادی می‌دانند.

بوردیو در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخت، اما این قسمت از کارش در مقایسه با دیگر مفاهیمش از جمله نظریه کنش، منش (عادت واره)، سبک زندگی و تمایز کمتر مورد توجه واقع شد. بوردیو در جایی که از مبارزه در یک میدان سخن می‌گوید در میان چهار دسته از سرمایه‌ها به سرمایه اجتماعی می‌پردازد. او می‌گوید که افراد در میدان به ارائه و تبادل سرمایه‌هایشان یعنی سرمایه

^۱ فرانسیس فوکویاما، پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول ۱۳۷۹ ص. ۵

^۲ Fukuyama

^۳ Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer, (1998). "Getting The Goods on social Capital Rural Sociology", p. 252

اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می‌پردازند. سرمایه اقتصادی شامل دارایی‌ها و املاک و ثروت فرد است. سرمایه فرهنگی شامل تحصیلات و مهارت‌ها و دانش فرد است و سرمایه اجتماعی را شبکه روابط می‌داند. او شاخص‌های تجربی برای هر سه این سرمایه‌ها بر می‌شمرد. پول را شاخص تجربی سرمایه اقتصادی، عضویت در کلوپ گلف برای سرمایه اجتماعی و اشرافیت خانوادگی و گواهینامه تحصیلی (و تعداد بسیار دیگری شاخص) و ... را شاخص‌های تجربی سرمایه فرهنگی می‌داند. که انسان‌ها به اعتقاد او با توجه میزان سرمایه‌هایشان و با استراتژی‌های خاصی جهت دستیابی به اهدافشان، در میدان عرصه اجتماع به بازی می‌پردازند.

جیمز کلمن به دنبال توسعه یک علم اجتماعی بین رشته‌ای بود که بتواند مبتنی بر اقتصاد و جامعه‌شناسی باشد. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی و انسانی دو «پدیده مرتبط با هم اما مستقل از هم‌اند» و وجه تفاوت سرمایه اجتماعی از سرمایه انسانی را در این مسئله می‌داند که سرمایه اجتماعی نمونه یک کالای عمومی است که برای تمام افراد واقع در یک ساختار مفید است اما سرمایه انسانی، کالایی خصوصی است که هم مالکیت و هم سودش مختص به فرد است. لذا سرمایه اجتماعی نیازمند همکاری افراد است حتی اگر آن‌ها سود شخصی خویش را دنبال می‌کنند. تفاوت کلمن با بوردیو در مورد سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد: کلمن سرمایه اجتماعی را در مورد تمام کنشگران مرفه و غیر مرفه، بررسی می‌کند اما بوردیو آن را تنها در اختیار افراد مرفه می‌داند. دیگر اینکه کلمن خوشبین بوده و سرمایه اجتماعی را مفید می‌داند اما بوردیو آن را برای افراد محروم، مضر می‌داند.^۱

رابرت پاتنام نیز پس از انتشار کتاب برجسته خود تحت عنوان «بولینگ تنها» (۲۰۰۰)، تبدیل به شناخته شده ترین نظریه پرداز سرمایه اجتماعی گردید، از نظر وی سرمایه اجتماعی در برگیرنده ویژگی‌های سازمان اجتماعی، از حیث ماهیت شبکه‌ها، هنجارها و مراتب اعتماد اجتماعی است؛ که هماهنگی و همکاری را برای تحصیل مزایای دو جانبه تسهیل می‌نماید. بنابراین تعریف، مفاهیمی چون جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می‌شوند. به نظر فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی (چه صحیح و چه غلط) است که اعضای جامعه در آن سهیم هستند و آن‌ها را به انجام امور خاصی در راستای حفظ جامعه هدایت می‌کند. از نظر وی «سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای

^۱ . جان فیلد، سرمایه اجتماعی، پیشین

^۲ . Putnam, R.D. 1995. "Bowling alone: America's declining SocialCapital," *Journal of Democracy* 6(10): 65-78

سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌هایی تبادلات و ارتباطات می‌شود.^۱

۷۱

دو فصلنامه علمی- پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

علی آدمی

جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تاکید بر آراء امام خمینی (ره)

پیر بورديو جامعه شناسی متأخر فرانسوی نیز با تقسیم بندی سرمایه‌ها در نظام اجتماعی به سه شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر آن است که سرمایه اجتماعی، ارتباطات و مشارکت اعضای یک جامعه برای نیل به اهداف آن‌هاست را تسهیل می‌کند. گرین سرمایه اجتماعی را به صورت زیر تعریف می‌نماید: «طیف کاملی از نهادها، اعمال، ابزارها و رفتارهای یاد گرفته شده که گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند.»^۲

از تعاریف بالا مشخص می‌شود که سرمایه اجتماعی در برگیرنده منابع در دسترس نظیر اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه‌های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری هستند. کلمه اجتماعی در عنوان سرمایه اجتماعی، دلالت می‌کند که این منابع، خود دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند، هیچ فردی به تنهایی مالک آن‌ها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند. اگر شما سرمایه‌های انسانی را از آنچه که شما می‌دانید فرض کنید (مجموع دانش، مهارت و تجارت شما)، پس دسترسی به سرمایه اجتماعی به کسانی که شما می‌شناسید بستگی دارد، یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه‌های کسب و کار و شبکه‌های ارتباطی شخصی شما در آن مؤثر است. اما فراتر از آن، سرمایه اجتماعی به کسانی که شما نمی‌شناسید نیز بستگی دارد، البته اگر شما به طور غیرمستقیم به وسیله شبکه‌هایتان با آن‌ها در ارتباط باشید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. فوکویاما، پیشین، ص ۷۳

^۲. Greene, J.P. 2001. *Social and cultural capital in Colonial British America: a case study*, in Rotberg, R. (Ed.), *Patterns of Social Capital: Stability and Change in Historical Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge

۳- اهمیت و کاربرد سرمایه اجتماعی

این مفهوم مهم دارای سه مؤلفه مهم «اعتماد اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی» است که خود هم معلول و هم گسترش دهنده این سه است. از این حیث سرمایه اجتماعی اهمیتی فراوان در هر ملت و دولتی می‌یابد. از دیگر فاکتورهای اهمیت بخش به این مفهوم می‌توانیم موارد زیر را بر شماریم: سرمایه اجتماعی وابستگی و ارتباط متقابل و محکمی با سرمایه فیزیکی، اقتصادی و انسانی دارد، به تسریع توسعه اقتصادی و فرهنگی و اطلاعاتی و رشد و بالندگی جامعه یاری می‌رساند؛ موجب ایجاد حس همکاری و همیاری و مشارکت میان اعضای جامعه می‌شود؛ سرمایه اجتماعی به عنوان شرط لازم برای توسعه هر نظام اجتماعی، مقدمه ایجاد جامعه مدنی، گسترش دهنده حوزه عمومی، و به عقیده آنتونی گیدنز، به عنوان زیربنای ایجاد جامعه مدرن، مطرح است.

از دیگر سو با کاهش و افول سرمایه اجتماعی، شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، کاهش مشارکت اجتماعی، افول امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسل خواهیم بود که بر رسی اهمیت و میزان تأثیر گذاری هر یک از این متغیرها خود به تحقیق مفصلی اجتماعی نیازمند است. در کل زندگی در جامعه‌ای که دارای میزان قابل ملاحظه‌ای از سرمایه اجتماعی می‌باشد راحت‌تر است.^۱

۴- ابعاد و عناصر سرمایه اجتماعی

دانشمندان با توجه به رویکردهای متفاوت، سرمایه اجتماعی را از منظرهای مختلف (جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی و...) مورد بررسی قرار داده و اجزاء و عناصر گوناگونی را در بررسی‌های خود مطرح نموده‌اند. در اینجا سرمایه اجتماعی در ۴ بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفته است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سوفی پونتیو، مفهوم سرمایه اجتماعی؛ مروری نقادانه، مترجم، رضا انصاری، در کتاب مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، محمد مهدی شجاعی باغینی و همکاران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷،

نام ابعاد	نام مولفه‌ها	سؤالات شناسایی شاخص‌ها
اجتماعی	اعتماد	اعتماد به اکثریت مردم، اعتماد به دقت و صحت کار دیگران، اعتماد به همکاران، اعتماد به همسایه‌ها، اعتماد به اخبار رسانه‌ها، اعتماد به پلیس، اعتماد به دولت،...
	روابط متقابل	ارتباطات به طور متوسط در هفته با دوستان، مراوده در خارج از خانه با افراد غریبه‌تر، دوستی با همکاران، ارتباط دوستانه با کارفرما، باور کمک به دیگران، کمک گرفتن از دیگران، شرکت در مراسم اجتماعی،...
	مشارکت	تمیز کردن شهر و محل، عضویت در باشگاه ورزشی و سایر کلوب‌ها، تصمیم‌گیری در محل زندگی، شرکت در پروژه‌های محلی، پی‌گیری مسائل محل و شهر و استان و کشور، تمایل به کاندید شدن در انجمن ساختمان و محل و شهر،...
	آگاهی عمومی	اطلاع از تنوع رسانه‌ها، مشارکت اطلاعاتی با افراد خارج از خانه، تولید اطلاعات، میزان سعی در کشف واقعی بودن اطلاعات، اطلاع از وضعیت محل، اطلاع از آخرین کتب و فیلم‌های تولید شده،...
	اخلاقیات	میزان باور به صداقت و درستی، منفور بودن کار خلاف قانون، باور به عدالت، توجه به مصلحت عامه،...
	مسئولیت اجتماعی	باور به جمع به جای فرد، مسئول بودن در برابر دیگران، اجرای کار با هدف کمک به جامعه، نگاه به کل کار با جای جزئی‌نگری، باور به جبران زیان وارده به اجتماع و ...
فرهنگی	مقررات رفتاری	احترام به باورهای سایرین، باور به رعایت عرف، رعایت قوانین، ...
	نرم‌ها و هنجارها	صرفه‌جویی، غرور، احترام به پیرترها، پس‌انداز، احترام به زنان و خلاقیت، نوآوری، مدرک تحصیلی، ...
	ارزش‌ها	تحصیلات، شرکت در کار گروهی، وجود روحیه تعاون، باور به پول و ثروت، باور به کرامت انسانی،
	دین و ایدئولوژی	باور به یک دین، اعتقادات مذهبی، رعایت شعائر دینی، پایبندی و تعهد به دین، فداکاری دینی، شرکت در مراسم مذهبی، ...
	نمادها	تا چه اندازه نمادها را می‌شناسید، سمبل‌ها چیست‌اند، پرچم خود را توصیف کنید، سرود ملی کشور را بخوانید، ...
	مثل‌ها و استعاره‌ها	اسطوره‌های تاریخی شما کیست‌اند، چقدر ضرب‌المثل می‌دانید، چقدر شعر می‌دانید، چقدر شعرها و نویسندگان را می‌شناسید، ...

شایعه (سرعت گسترش آن و باورپذیری)، ترس عمومی، فردگرایی، دموکراسی، پاسخگویی، ...	جو و فضا	
امنیت محله، ترس از تاریکی در شهر، سابقه حمله در محیط، شاهد حمله‌های غیر قانونی به دیگران، احتمال وقوع خطر برای فرد، باور به امنیت اجتماعی، ...	امنیت	سیاسی
شرکت در انجمن‌های محلی، شرکت در فعالیت‌های عام المنفعه، شرکت در NGO ها...	نهادهای عمومی و مدنی	
تعداد حزب، مشارکت در احزاب، شناخت جریان‌های سیاسی، وابستگی شدید به یک جریان حزبی، شرکت در انتخابات، تبلیغ برای کاندید خاص، میزان مخالفت‌های عملی، ...	تخریب و مشارکت سیاسی و انتخابات	
رعایت قانون، باور قانون، میزان به کارگیری قانون در مورد خود و دیگران، رعایت عدالت، ...	قانون‌مداری	
نقش رسانه‌ها، سانسور در رسانه‌ها، باور مردم به رسانه‌ها، تفاوت رسانه‌ها، ...	رسانه‌ها	
قیمت‌ها، دارایی‌ها، بورس بازی، بازار رقابت، ...	ارزش روز شرکت	اقتصادی
میزان هزینه‌ها، بودجه، تخصیص منابع، ...	میزان هزینه‌ها	

جدول بالا نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های فراوانی است که متناسب با فرهنگ هر جامعه است؛ مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت در نهادهای مدنی و مؤسسات خیریه، ارتباطات مناسب با دیگران، تعهد و مسئولیت، همکاری و روحیه کار گروهی و احساس هویت جمعی در این زمینه مدنظر است. با این وجود به نظر ما مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، آگاهی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل با هم قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری است از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این سه مؤلفه از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی نیز هستند! که ما در اینجا به بررسی آنها در ارتباط با نهضت اسلامی امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

۴. ۱- اعتماد

این مفهوم حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک نوع اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد.^۱ پانتام، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماع یا اعتماد تعمیم یافته معرفی می‌کند. از طرف دیگر، وی وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است کسانی که به دیگران اعتماد می‌کنند بیشتر در کارها داوطلب می‌شوند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان‌های اجتماعی دارند.^۲

یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، «شبکه اعتماد» است. شبکه اعتماد، عبارت از گروهی است که بنا بر اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فی‌مابین خود استفاده می‌کنند. از این رو، اعتماد فی‌مابین نقش زیادی در آسان کردن فرایندها و کاهش هزینه‌های مربوط به این گونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون پدید آید. مفهوم مفید دیگر در این بحث، «شعاع اعتماد» است. همه گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاصی از شعاع اعتمادند که به مفهوم میزان گسترده‌گی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی، برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر نیز داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می‌رود. هر چه سرمایه اجتماعی یک سیستم اجتماعی بالاتر باشد، موجب پایین آمدن هزینه‌های مربوط به تبادلات رسمی می‌شود.^۳ مفهوم ذکر نشده را می‌توان در قالب شکل زیر مشاهده کرد:

از این روی، مهم‌ترین عاملی که اساس ایجاد ارتباطات سیاسی برای فرایند مشارکتی مردم در نظام به شمار می‌رود «اعتماد متقابل مردم و نظام» است. قبل از اینکه یک نظام بخواهد هر عملی در خصوص تغییرات ساختاری در جامعه انجام دهد بایستی میزان و درجه اعتماد سطح جامعه و دولت را افزایش دهد. چرا که در فضای نامطمئن و بی‌اعتماد هرگونه عملی امکان نتیجه عکس دارد و تمایل مشارکت و دخالت

۱. روبرت پانتام، دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه دلفروز، تهران: انتشارات سلام، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲

۲. همان، ص ۳۰۱

۳. Network Of Trust

۴. RADIUS OF TRUST

۵. داود میرزایی مقدم، انقلاب اسلامی و سرمایه اجتماعی، در سایت

مردم در نظام بسیار کم خواهد بود. در مرحله بعد این نظام است که بایستی به مردم اعتماد داشته باشد تا بتواند از مشارکت آنان در سیستم دولتی سود ببرد. بنابراین اگر جامعه‌ای بخواهد به سوی توسعه برود، باید به سوی مشروعیت پیش رانده شود و منافع نخبگان سیاسی حاکم و منافع عموم مردم، همسو و نزدیک گردد.^۲

این امر، یعنی ایجاد شبکه معتمد اجتماعی را می‌توان به وضوح در رهبری امام (ره) در پی ریزی بنیان‌های مبارزاتی ایشان مشاهده نمود. یکی از مهم‌ترین اصولی که از ابتدای ورود به صحنه اندیشه و عمل سیاسی، به سهولت در مکتب امام خمینی قابل درک است، اصلی اعتماد و خوش بینی نسبت به شعور و استعداد مردم در درک مصالح و مفاسد خود است. این اصلی، متأثر از تفسیر و تلقی اسلامی ایشان از انسان در عصر مدرن است. این تلقی از انسان که مهم‌ترین ویژگی آن، اعتماد و خوش بینی نسبت به انسان‌ها و درک مصلحت فردی و اجتماعی خود است، موجب شده است تا مسلمانانی که چندین قرن خفته بودند، وارد صحنه زندگی سیاسی - اجتماعی خود شوند و با اعتماد به رهبری امام (ره) و همچنین یکدیگر و گسترش شعاع آن عظیم‌ترین انقلاب را به لحاظ مشارکت مردمی، ایجاد نمایند. امام بر خلاف بسیاری از روشنفکران غرب‌زده معاصر، جوهره مردم را در جهت اقامه حکومت اسلامی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و وصول به استقلال و آزادی، مطمئن و قابل اتکا تفسیر کرد. و مردمی که به واسطه استعمار خارجی و استبداد، داخلی اسلام و مصالح فردی؛ اجتماعی خویش غافل شده بودند، امیدوارانه مورد اطمینان دانست. در حالی که اکثر قریب به اتفاق اندیشمندان و مصلحان اسلامی معاصر وی، مأیوس شده بودند و فقط منتظر فرج امام زمان (عج) بودند، امام با خطابه‌ها و اعلامیه‌های صریح خود، به بیداری وجدان‌ها و فطرت خفته انسان‌ها پرداخت و آن قدر بر آن اصرار ورزید تا اینکه ثابت نمود، اصل خوش بینی به فطرت انسان‌ها، قاعده درستی است.^۳ و دیگر اینکه هرگز در هیچ شرایطی ولو بسیار سخت، نباید به سرشت انسان بدبین بود و نباید دل‌سرد و مأیوس شد: «همه ملت رهبرند و بیدار شده‌اند».^۴

از این روی، در مدیریت حضرت امام (ره)، علاوه بر اعتماد به خداوند و خود باوری و اعتماد به نفس، نوع سومی از اعتماد نیز مشاهده می‌شود و آن «اعتماد به مردم» است؛ یعنی در واقع از یک مثلث می‌توان سخن گفت که قاعده این مثلث را حسن ظن، اعتماد و توکل به خداوند تشکیل می‌دهد و به تبع این اعتماد،

۱. محمد مهدی نصحیان، نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی، راهبردیاس، شماره ۱۴، ۱۳۷۸،

ص ۵۳

۲. محمود سریع القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، نشر سفیر، ۱۳۶۹، ص ۲۲۱

۳. محمد رحیم عیوضی، عبور از استبداد، فصلنامه زمانه، شماره ۱۵، ص ۶۳

۴. صحیفه نور، ج ۲ ص ۸۴

دو نوع اعتماد دیگر یعنی اعتماد به نفس و اعتماد به مردم نیز جلوه گر می‌شود. بنابراین کسی که برای خداوند گام بردارد خداوند قلوب مردم را با او همراه می‌کند. استاد مطهری در این زمینه می‌فرماید:

«در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران، ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که آقا کمی یواش‌تر، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پا در می‌آیند، می‌گویند: نه، مردم این‌جور نیستند که شما می‌گویید. من مردم را بهتر می‌شناسیم و ما همگی می‌بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان آشکار می‌شود.»^۱

امام (ره) توانست با شناخت دقیق از روحیات، خواسته‌ها و فرهنگ مردم خود، با آن‌ها رابطه‌ای بسیار مستحکم و صمیمانه ایجاد کرده بود. این رابطه به گونه‌ای بود که تک تک آحاد ملت او را همچون پدری مهربان و دلسوز می‌پنداشتند و می‌دانستند که امام چیزی جز صلاح و مصلحت آن‌ها را نمی‌خواهد. از این روی، موقعیت و جایگاه امام خمینی (ره) یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری "ائتلاف گسترده" نیروهای مخالف رژیم پهلوی در یک جبهه واحد بود. "گفتمان امام این استعداد را داشت که نه در راه حذف، بلکه از راه جذب، بقیه گفتمان‌ها (ملی و اسلامی) را زیر چتر خودش قرار دهد و نیز این استعداد را داشت که تمامی عناصر و دقائق و مؤلفه‌های مترقی سایر گفتمان‌ها را در درون خودش بازتاب دهد."^۲

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران اصولاً بر پایه ایجاد شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت که به وسیله اعتماد متقابل با یکدیگر به هدف رضای خدا و ایجاد حکومت اسلامی همکاری می‌کردند. امام خمینی (ره) به عنوان مؤثرترین شخصیت انقلابی بر رضا و توکل به خداوند متعال تأکید بسیار داشت. ایشان علت اصلی انقلاب را انقلاب درونی و معنوی مردم و توجه آن‌ها به اسلام ناب معرفی می‌کنند و انقلاب را معلول این می‌دانند که افراد جامعه از آن حالت سابق به یک حال اسلامی برگشتند. به واسطه همین این نور معنویت بود که مردم باهم احساس مهر و عطوفت می‌کردند، تا بدان جا به هم اعتماد و اتکا داشتند که حتی قوی‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی نظیر ساواک نیز نمی‌توانستند در این شبکه‌های مردمی رخنه و نفوذ کنند.

۴-۲- آگاهی

اصولاً بین تحولات سیاسی و اجتماعی و افزایش یا کاهش آگاهی عمومی و ارتقا یا تنزل سطح فرهنگ عمومی، رابطه‌ای دو سویه برقرار است، زیرا هر دو این‌ها بر دیگری تأثیر می‌گذارند. از طرفی تحولات سیاسی و اجتماعی، آگاهی و سطح فرهنگ عمومی را ارتقا می‌بخشند و از سوی دیگر آگاهی و

۱. علی کریم زاده، تصمیم‌گیری از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مصباح، شماره ۳۳، ۳۴، ۱۳۷۹

۲. سید محمد صدر، آگاهی به رمز و راز رهبری امام، فصلنامه حضور، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۲، ص. ۸۵

۳. علی اشرف نظری و بهاره سازمند، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲

سطح بالای فرهنگی نیز بر نوع تحولات تأثیر می‌گذارند. نهضت اسلامی ایران از سال ۱۳۴۱ در فضایی آغاز شد که در آن فضا، شدیداً و نیازی به افزایش آگاهی ندارند. اما با آغاز نهضت اسلامی و مطابق سبک فرهنگی مبارزه، وقتی اعلامیه‌های علما و در رأس آنان حضرت امام خمینی (ره) منتشر و پخش گردید، در نخبگان و حداقل بخشی از توده مردم این احساس ایجاد شد که به تفکر و داشتن مسائل سیاسی و اجتماعی نیاز بیشتری دارند. به این ترتیب نهضت اسلامی، پروژه آگاهی عمومی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی را آغاز کرد.

از این روی امام (ره) «آگاهی بخشیدن به عموم» را به عنوان بهترین استراتژی جهت مبارزه انتخاب نمودند. در دوران قبل از انقلاب جو غالب، مبارزه مسلحانه با رژیم را تجویز می‌نمود. این استراتژی به عنوان نتیجه بررسی و جمع‌بندی مبارزات گذشته و ماهیت استبدادی رژیم عنوان می‌گردید و به عنوان دستاوردی علمی به تمام مبارزین ارائه می‌شد. طرفداران استراتژی مبارزه مسلحانه در انتقاد از استراتژی امام به این نکته اشاره می‌کردند که رژیم مسلح است و مستبد و تحمل هیچ‌گونه حرکت اعتراضی مسالمت‌آمیز را ندارد و با کلیه حرکات مسالمت‌آمیز مردمی برخورد قهرآمیز دارد، بنابراین طبیعی است که با چنین رژیمی و با چنان ماهیتی برخورد مسالمت‌آمیز و غیرمسلحانه بی‌نتیجه خواهد بود.

در مقابل این دیدگاه، استراتژی امام (ره) «آگاهی دادن» به توده‌های مسلمان و خیزش عمومی و یکپارچه بود. امام به خوبی می‌دانست که اگر آگاهی‌های اسلامی و سیاسی مردم بالا برود آنان خود کار را تمام خواهند کرد. ایشان با انتخاب این روش و علیرغم انتقادهای تمامی انقلابیون آن زمان مبارزه را ادامه داد تا پیروزی را برای ملت ایران به ارمغان آورد. استراتژی گل در مقابل گلوله که از ابتکارات ناب حضرت امام بود، به هیچ وجه نمی‌توانست در ذهن سازمان‌هایی که شناختی از اسلام، مردم و فرهنگ ایران نداشتند شکل بگیرد.

عده‌ای از طرفداران تز مبارزه مسلحانه با پافشاری بر عقاید خود، پیروزی انقلاب را نتیجه افتادن اسلحه به دست مردم می‌دانستند. این نظر نیز مطابق واقع نیست، زیرا زمانی که اسلحه به دست مردم افتاد رژیم سلطنتی شکسته بود. از آن گذشته دسترسی مردم به اسلحه و مردمی شدن مبارزه مسلحانه که عمدتاً به دلیل پیوستن نیروهای مسلح به انقلاب اسلامی بود. در چارچوب استراتژی امام قابل تبیین است نه در قالب استراتژی مبارزه مسلحانه بریده از مردم. خلاصه اینکه حضرت امام با انتخاب بهترین استراتژی جهت دستیابی به هدف روش‌های دیگر مبارزه را علیرغم تهاجمی بودن آن‌ها نفی کرد و ثابت نمود که استراتژی انتخابی‌اش بهترین روش مبارزات در ایران اسلامی است.^۱

۱. صدر، پیشین، ص ۸۷

این استراتژی به همراه نظریه ولایت فقیه توانست در دوران سرکوب و ارباب پس کودتای ۲۸ مرداد به انسجام بخشی به طیف اکثریت انقلابیون مخالف رژیم شاه بینجامد؛ طیف اکثریت انقلابیون را نیروی مذهبی تشکیل می داد که با این نظریه حداقل، آشنایی کلی داشت. این آشنایی موجب شد که دسته های پراکنده نیروهای مذهبی که بعضاً افکاری متفاوت داشتند، همگی به نوعی از انواع و به نحوی از انحا حول محور «ولایت» اتحاد پیدا کنند. این اتحاد ولایی از طرف دیگر موجب تسهیل نفوذ فرامین رهبر انقلاب در میان مردم شد. رهبر فقید انقلاب اسلامی نیز با تکیه بر این نظریه و تقوای الهی که پیشه کرده بود، توانست فضای سیاسی را در جهت تحقق حکومت اسلامی چنان بسازد که همه گروه های سیاسی احساس کنند که فقط و فقط در پناه و زیر پرچم آیت الله خمینی می توانند رژیم شاه را سرنگون کنند؛ زیرا امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی یک انسان ایده آل با همه صفات و ویژگی های برجسته و تبلور سنتی علمای شیعه و شیوه رهبری ایشان نتیجه یک سنت تاریخی طولانی از صدر اسلام بود. ایشان زندگی ساده و بی پیرایه و هوش و استعداد سرشاری داشتند و نظم خاصی بر زندگی شان حاکم بود. از آغاز جوانی به تهذیب نفس و خودسازی پرداخت و از ابتدا اهداف خود را نه در پیروزی و تحقق خواسته های خود و مردم، بلکه در اجرا و ادای تکلیف شرعی قرار داد. او می گفت که ما صرفاً به تکلیف الهی و شرعی خود عمل می کنیم، یا پیروز می شویم و یا کشته می شویم که در هر دو صورت پیروزیم. امام در ایجاد ارتباط با اقشار و توده های مردم نبوغ خاصی داشت؛ به طوری که با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بی سوادترین انسان ها، پیچیده ترین مسائل اجتماعی - سیاسی را مطرح می کرد و با بیان خود در اعماق قلوب انسان های معتقد و مؤمن نفوذ می کردند.^۱

۴-۳- مشارکت

مفهوم مشارکت، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود، تعاریف مختلفی به خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آن ها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است. در اینجا ما به دو نوع خاص مشارکت نظر داریم که عبارت اند از مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت های ارادی دلالت دارد که از طریق آن ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت

۱. منوچهر محمدی، ۱۳۶۶، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر، ص ۹۹

۲. امین اکبری، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی،

دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران: ۱۳۸۳، صص ۲۷-۲۸

کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند.^۱ مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی قرابت نزدیکی دارد، زیرا مشارکتی است که از متن جامعه بر می آید و عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد.^۲

مشارکت سیاسی نیز بنا به تعریف دایره المعارف علوم اجتماعی عبارت از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که اعضای یک جامعه برای انتخاب حکام به گونه مستقیم یا غیر مستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند. نویسندگان فرهنگ جامعه‌شناسی، مشارکت سیاسی را شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تعریف کرده‌اند.^۳ گولیلمو فررو نیز می‌نویسد: دموکراسی فقط همین اصل تعیین و کیل از طریق انتخابات است که بر جامعه به منظور حل مسائل حاکمیت، پیاده می‌شود. رعایای حاکمیت با هم تفاهم می‌کنند تا شماری چند از افراد خبره و آگاه را برگزینند و اینان منافع عمومی را اداره خواهند کرد.^۴

با مذاقه‌ای نه چندان عمیق در تعاریف مذکور و همچنین تفاسیری که افرادی مانند موریس دو ورژه، مایکل راش، آنتونی گیدنز، آلن دوبونا و سایر نظریه‌پردازان دموکراسی داشته‌اند می‌توان به این نکته پی برد که اصولاً در منظر دموکراسی خواهان غربی، موضوع مشارکت بسیار جدی‌تر از خود مشارکت‌کنندگان است. یعنی گزینش رهبران سیاسی، حل مسائل حاکمیت و تکوین سیاست‌های عمومی موضوعیت بیشتری نسبت به مردمی که قرار است حاکم باشند، دارد. در این منظر مشارکت‌کنندگان حکم توده‌ها دارند. توده‌های ناآگاهی که باید به ناچار حصارهای الیتسیم را بپذیرند. در حالی که به هیچ وجه ملاک‌های نخبگی نیز مشخص نیست. ژان پل سارتر در مورد انتخابات به عنوان یکی از بارزترین مظاهر مشارکت سیاسی چنین می‌گوید: «یک نظام انتخاباتی به هر صورتی که باشد - عبارت است از مجموعه افراد انتخاب‌کننده‌ای که مثل یک خمیر بی شکل در معرض فشار عوامل خارجی قرار دارند. فهرست اسامی انتخاب‌شدگان به همان اندازه معرف اراده ملت است. که انگار فهرست صفحات موسیقی فروش رفته، نمودار ذوق و سلیقه خریداران است.»^۵

۱. علیرضا محسنی تبریزی، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۳.
 ۲. داوود منظور، مهدی یادی پور، سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی، راهبرد یاس شماره ۱۵ پاییز ۱۳۸۷، صص. ۱۵۰

۳. نیکلاس آبرکراسی، استفن هیل، برایان. اس. ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۶۷، ص ۲۸۶

۴. گولیلمو فررو، حاکمیت، ترجمه عباس آگاهی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۲۱۴

۵. The rabble

۶. محبوب شهنازی، تقدیر مردم‌سالاری ایرانی، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۵۹

در واقع عنصر مشارکت کننده در تعریف پژوهشگران غربی از مشارکت سیاسی بسیار کم رنگ است. آنچه که امروز در جوامع به اصطلاح دموکراتیک غربی به نام مشارکت سیاسی اتفاق می افتد، مؤید همین مطلب است. در اکثر اوقات نقش مردم در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های عمومی در حاشیه قرار می گیرد. اما مشارکت عمومی در نظام مردم سالاری دینی حرفی از جنس دیگر دارد. نمود اصلی مشارکت عمومی برخلاف مشارکت سیاسی صرفاً انتخابات و شرکت در احزاب سیاسی نیست در مشارکت عمومی همان گونه که از نامش پیدا است مردم در عموم مسائل کشور دخیل هستند نه اینکه تنها پای صندوق های رأی حاضر شوند و بعد از انجام انتخابات از صحنه تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های کلان کشور حذف شوند. مردم در هر لحظه این نظام، صاحبان اصلی حکومت هستند. حضور در راهپیمایی های مختلف در طول سال، شرکت هفتگی در فریضه سیاسی- عبادی نماز جمعه، استقبال های عظیمی که از مسئولان بلند پایه مملکتی در دیدارهای استانی صورت می گیرد و... مصدق این مدعا است. ۸ سال جنگ تحمیلی و مشارکت عمومی مردم، از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد به تنهایی خود شاهد این ادعا است.

از طرفی عموم مردم در مسائل کشور شریک هستند نه اینکه تنها بخشی از متنفذان و نخبگان سیاسی ذی مدخل در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های کشور باشند. اگر در جوامع به اصطلاح دموکراتیک از مردم تعبیر به توده می شود اما در نظام مردم سالار دینی مردم ولی نعمتان هستند و حاکمان می باید خدمت گزاران مردم باشند. در واقع در مشارکت عمومی دو عنصر مشارکت یعنی مشارکت کننده و موضوع مشارکت هر دو جایگاه ویژه خود را دارند و مردم به عنوان مشارکت کنندگان، ولی نعمتان موضوع مشارکت یعنی حکومت دینی هستند و دو عنصر مشروعیت و مقبولیت هم پای هم باعث پویایی و زندگی مردم سالاری دینی می باشند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بزرگ ترین مانع سیاسی مشارکت مردمی در امور سیاسی و اجتماعی یعنی رژیم مستبد و خودکامه شاهنشاهی از میان برداشته شد و بسترهای مناسب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای حضور مردم در صحنه با تأکیدات رهبر فرزانه انقلاب، امام خمینی (ره) تقویت گشت. لذا به فرمان امام خمینی (ره) نهادها و ارگان های انقلابی (مانند کمیته انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، بسیج مستضعفین و...) در همان نخستین ماه های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای جلب و جذب نیروهای انسانی پر شور و انقلابی تشکیل شدند. همچنین با تأکید رهبر انقلاب تنها یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی که از مدت ها قبل با این عنوان، به سازماندهی و فعالیت سیاسی مشغول بود، اعلام موجودیت کرد و تعداد زیادی از مردم برای ثبت نام به دفاتر حزب در تهران و شهرستان ها هجوم بردند.

ترتیب یافت، تا یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در خرداد ۱۳۸۸ برگزار شد، ۳۱ بار انتخابات برگزار شده است: رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات دو مرحله ای

هر یک از دوره‌های مجلس شورای اسلامی، انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس، انتخابات شوراهای شهری و انتخابات ریاست جمهوری و... به عبارت دیگر طی ۳۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سالی یک‌بار به آراء مردم رجوع شده است. حتی شکل‌گیری و پیروزی انقلاب و سقوط رژیم ستم‌شاهی نیز به نوعی مراجعه به آراء مردم بود. از این منظر، مردم‌گرایی پدیده‌ای است که عمری به درازای عمر انقلاب دارد.^۱

نتیجه

نهضت اسلامی امام خمینی (ره)، در واقع اوج تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور همه آمال و آرمان‌های انقلابی نهضت‌هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بود. امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی، یک انسان ایده‌آلی با همه صفات و ویژگی‌های برجسته و تبلور سنتی علمای شیعه و شیوه رهبری ایشان نتیجه یک سنت تاریخی طولانی از صدر اسلام بود. امام (ره) در شرایطی دیده به جهان گشودند. که ملت ایران، یکی از سخت‌ترین ادوار تاریخ خویش را تجربه می‌کرد. شکست نهضت مشروطیت، کودتای رضاخان، جنگ جهانی اول و دوم و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، از جمله حوادث و وقایع مهمی بودند که باعث رخوت و رکود در مردم شد. رژیم شاه همه حرکت‌های مخالف را سرکوب کرد و فعالان سیاسی را به زندان انداخت. بسیاری از سیاسیون، ناامید از مقابله با رژیم تسلیم شدند و برخی راه خروج از کشور را در پیش گرفتند.

در این چنین شرایط دشواری حضرت امام (ره) پا به عرصه مبارزه نهادند و آموزه‌های خود را ارائه نمودند. در آموزه‌های امام (ره)، همه چیز هدف و غایت مشخصی دارد، و آن قرب الهی است. از این روی چه به عنوان مرجع تقلید مسلمین، چه به عنوان انقلابی و نهایتاً ولی فقیه و رهبر انقلاب (به عنوان بالاترین مقام اجرایی) تمام نیت و هدف امام رسیدن به قرب الهی و جلب حضرت دوست بود. این آموزه‌ها روح تازه‌ای به کالبد خسته و فرسوده امت اسلامی که سال‌ها در زیر یوغ ستمگران و نظام‌های سلطنتی دچار رخوت شده بود دمید و توانست غبار فراموشی و ستم را از کالبد آن‌ها بزدايد و با نفس قدسی خود روح اعتماد به نفس را در تک تک این مردم ستم‌دیده بدمد و با ایجاد انسجام درونی قلب‌های آن‌ها را نسبت به یکدیگر معطوف کرده و با ایجاد روحیه اعتماد در ملت ایران، مشوق ظهور اعتماد اجتماعی شود.

۱. غلامرضا حواجه سروی، سی گفتار پیرامون امام خمینی، انقلاب و جمهوری اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق،

۱۳۸۹، ص ۱۷۷

. ملکوتیان، مصطفی، بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌ها. پژوهشکده فرهنگ اندیشه اسلامی

۱۳۸۷، ص ۸۳

آن حضرت با استفاده از شیوه تربیت اسلامی توانست شاگردان زیادی را تربیت کنند که آنان نیز با استفاده از وسایل ارتباطی آن زمان به خصوصی از طریق منبر و مساجد که در تمام کوی و برزن وجود داشتند آموزه‌های الهی ایشان را در سراسر کشور منتشر نمودند. این چنین شبکه‌هایی (مساجد و منابر) همکاری و ارتباطات را تسهیل کرده و از این راه، غلبه بر معماهای کنش جمعی را ممکن سازد، شبکه‌های مترکمی تعاملی که به وسیله امام (ره) به وجود آمد توانست مفهوم «خود» مشارکت کنندگان را گسترش داده و «من» را به «ما» تبدیل کند و تمایل مردم را برای کنش جمعی تقویت کرده و سرمایه اجتماعی که سال‌ها به صورت بالقوه در ملت ایران وجود داشت را به بالفعل تبدیل کند و از این طریق نه تنها بساط سلطنت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را برچیند بلکه ابرقدرت‌های شرق و غرب را نیز در نورد. این روحیه ایثار شهادتی که در مردم ایران ما شاهد آن هستیم نمونه‌ای اعلای این سرمایه اجتماعی است که امام راحل با مدیریت و رهبری خود در مردم شریف و بزرگ ایران زنده و آن را به عنوان الگو به تمام دنیا عرضه کرد.

۸۳

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

علی آدمی

جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)



منابع

- احمدی کبر، سرمایه اجتماعی ایرانیان، فرهنگ مندان، شماره چهارم، ۱۳۸۷،
- اشرف نظری علی و بهاره سازمند، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷،
- اکبری امین، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران: ۱۳۸۳،
- تاج بخش کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۵،
- جان فیلد، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رمضانی، در سایت [WWW, anthropology.com](http://WWW.anthropology.com)
- خواجه سروی غلامرضا، سی گفتار پیرامون امام خمینی، انقلاب و جمهوری اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹
- فوکویاما فرانسیس، پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول ۱۳۷۹ -
- روبرت پاتنام، دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه دلفروز، تهران: انتشارات سلام، ۱۳۸۰ -
- سریع القلم، محمود توسعه در جهان سوم و نظام بین الملل، نشر سفیر، ۱۳۹۶
- صدر، سید محمد آگاهی به رمز و راز رهبری امام، فصلنامه حضور، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۲،
- عیوضی محمد رحیم، عبور از استبداد، فصلنامه زمانه، شماره ۱۵،
- کریم زاده علی، تصمیم گیری از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مصباح، شماره ۳۳، ۳۴، ۱۳۷۹ -
- نیکلاس آبرکراسی، استفن هیل، برایان. اس. ترنر، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ اول ۱۳۶۷
- گولیمو فررو، حاکمیت، ترجمه عباس آگاهی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول ۱۳۷۰
- محبوب شهنازی، تقدیر مردم سالاری ایرانی، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۰،
- محسنی تبریزی علیرضا، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران. ۱۳۶۹
- محمدی، منوچهر ۱۳۶۶، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر،
- میرزایی مقدم داود، انقلاب اسلامی و سرمایه اجتماعی، در سایت [WWW bashgah.net](http://WWW.bashgah.net)
- موسوی خمینی سید روح الله صحیفه امام موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی جلد دوم ۱۳۸۹ -
- ملکوتیان، مصطفی، بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه پردازی‌ها. پژوهشکده فرهنگ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷،
- منظور داوود و مهدی یادی پور، سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی، راهبرد یاس شماره ۱۵ پاییز ۱۳۸۷،
- نصوحیان، محمد مهدی نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی، راهبرد یاس، شماره ۱۴، ۱۳۷۸،
- Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer, (1998). " Getting The Goods on social Capital Rural Sociology
- Greene, J.P. 2001. Social and cultural capital in Colonial British America: a case study", in Rotberg, R. (Ed.), Patterns of Social Capital: Stability and Change in Historical Perspective, Cambridge University
- Putnam, R.D. 1995. "Bowling alone: America's declining Social Capital, Journal of Democracy 6(10)

قدرت نرم

قدرت

قدرت



گروه نشر نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ژانر: تاریخ علوم انسانی

قدرت

قدرت

قدرت